



### پیام «داریو فو» برای روز جهانی تئاتر سال 2013

در روزگاری بسیار پیش از این، صاحبان قدرت که طاقت شان از دست بازیگران «کم‌دیا دل آرت» تمام شده بود، برای این مشکل راه حلی پیدا کردند؛ اینکه همه آنها را از کشور اخراج کند.

امروزه، به خاطر وجود «بحران» [اقتصادی]، بازیگران و گروه های تئاتری برای پیدا کردن مکانی برای اجرای نمایش، برای پیدا کردن سالن های تئاتر و و برای پیدا کردن تماشاگران شان دست و پا می زنند. برای همین قانونگذارها هم دیگر چندان دلوایس مشکل کنترل و نظارت بر افرادی که با کنایه و طعنه منظورشان را بیان می کنند، نیستند؛

چون دیگر نه جایی برای بازیگران باقی مانده و نه مخاطبی برای حرف های شان.

در دوران رنسانس، بر خلاف این روزگار، افرادی که در ایتالیا در راس قدرت بودند برای کنترل بازیگران که مخاطبان زیادی هم داشتند- با دردرس زیادی روبرو بودند.

می دانیم که بزرگترین مهاجرت گروهی بازیگران «کم‌دیا دل آرت» در قرن ضد اصلاحات رخ داد، در زمانی که از سوی حاکمان وقت فرمان برچیده شدن تمام فضاهای اجرای نمایش داده شد؛ بخصوص در شهر رم، جاییکه این بازیگران به اهانت به «شهر مقدس» متهم شده بودند.

پاپ اینوسنت هفتم (Pope Innocent XII) تحت فشار مصرانه محافظه کارترین جناح طرفدار بورژوازی و حامی عمده روحانیت، در سال 1697 دستور تعطیل شدن تئاتر Tordinona را داد؛ مکانی که به اعتقاد اخلاق گرایان بیشترین تعداد اجراهای و هن آمیز را به نمایش گذاشته بود.

در همین دوره ضد اصلاحات، کاردینال کارلو بورومئو (Carlo Borromeo) که در شمال ایتالیا فعالیت داشت و خودش را وقف رستگاری "کودکان میلان" کرده بود، میان «هنر» به عنوان والاترین شکل تعلیم و تربیت روحانی و «تئاتر» به عنوان مظهر تقدس شکنی و بطالت، خط روشنی کشید.

او در نامه ای خطاب به همکارانش، که من بر اساس حافظه ام بخشی از آن را نقل می کنم، نظرش را کمابیش اینطور بیان کرد:

" ما، به عنوان کسانی که عزم بر ریشه کن کردن علف های هرز شیطنانی داریم، برای در آتش سوزاندن متن هایی که حاوی سخنان شرم آوری هستند و برای پاک کردن آنها از حافظه مردم، منتهای کوشش خود را کرده ایم و همچنین برای تعقیب قانونی آنهايي که چنین متن هایی را منتشر و چاپ می کنند.

اما چنانکه مشهود است، زمانیکه ما در خواب بوده ایم شیطان پنهان گرانه حيله ای تازه را به کار انداخته است.

آنچه چشم می بینند، چه بسیار در روح نافذتر از آن است که در چنان کتاب هایی می توان خواند! و تا چه اندازه کلامی که با حرکات مناسب همراه شود و بر زبان آید، برای ذهن نوجوان ها و دخترکان جوان مخرب تر از کلمات بی جان چاپ شده در کتاب هاست! پس مقتضی است که در اسرع وقت شهرهایمان را از حضور سازندگان تئاتر نجات دهیم؛ همان کاری که با بدن های تسخیر شده توسط ارواح شریر انجام می دهیم. "

به این ترتیب به نظر می رسد تنها راه حل «بحران» در امید به سازمان دهی یک «شکار جادوگران» بزرگ دیگر بر علیه ما نهفته باشد! بخصوص بر علیه جوانانی که می خواهند هنر تئاتر را بیاموزند: نسل جدیدی از بازیگران سرگردان و از وطن رانده شده، کسانی که احتمالاً از دل این محدودیت و اضطرار هم، منافع تصورناپذیر تازه ای را برای بازنمایی و نمایشگری بیرون می کشند.

داریو فو

مترجم: آذین ثابت

[منتشر شده در مجله آنلاین نمایشگر](#)

نقل این پیام در رسانه های فارسی زبان با ذکر نام مترجم و ذکر دقیق منبع (منتشر شده در مجله اینترنتی «نمایشگر») بلامانع است.